



«المیزان» حیات جدیدی در جامعه دمید/ توافق نظر علامه و امام(ره) در باب حکومت

علامه طباطبایی تفسیر المیزان را زمانی عرضه کرد که افکار کمونیستی و مارکسیستی در اوج خود رایج بود و علامه با طرح این مباحث واقعاً همه را به اعجاب آورد و در حقیقت حیات جدیدی در جامعه دمید.

علامه طباطبایی تفسیر المیزان را زمانی عرضه کرد که افکار کمونیستی و مارکسیستی در اوج خود رایج بود و علامه با طرح این مباحث واقعاً همه را به اعجاب آورد و در حقیقت حیات جدیدی در جامعه دمید.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین احمد احمدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در همایش ملی «ولایت و امامت از منظر علامه طباطبایی» که صبح امروز دوشنبه 28 بهمن‌ماه در دانشکده الهیات، ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی آغاز شد، به بیان نکاتی درباره علامه و نظریات وی در باب حکومت و ولایت پرداخت.

حجت‌الاسلام احمدی در ابتدای سخنان خود با سفارش اساتید به خواندن فراوان «تفسیر المیزان»، بیان کرد: این تفسیر مجموعه‌ای از معارف است که علامه این معارف را زمانی عرضه کرد که افکار کمونیستی و مارکسیستی در اوج خود رایج بود و علامه با طرح این مباحث واقعاً همه را به اعجاب آورد و در حقیقت طرح این مباحث حیات جدیدی در جامعه دمید.

وی با اشاره به این مطلب که گاهی تصور می‌شد علامه نسبت به حکومت اسلامی و نظام حکومتی چندان التفاتی نداشته است، به اشراف خود نسبت به مباحث المیزان اشاره و عنوان کرد: خود من با المیزان زندگی می‌کنم و شاید از آغاز تا پایان المیزان را دیده‌ام و بعضی از قسمت‌های آن را بارها و بارها دیده‌ام؛ از جمله آیه «مرابطه» یعنی آیه آخر سوره آل‌عمران که در پایان جلد چهارم المیزان تفسیر آن آمده است. علامه در تفسیر این آیه، نظام اجتماعی را بیرون آورده است. همچنین ذیل آیه 213 سوره بقره نیز بحث مستوفایی در جلد دوم دارد.

رییس سازمان سمت با اشاره به نظریه علامه طباطبایی در مورد جامعه، بیان کرد: از نظر علامه، اجزای جامعه به هم پیوسته است و نباید تصور کرد که هرکس برای خود و جدا از دیگران وجود دارد. در جامعه، آن نیاز طبیعی همه را به سوی همدیگر سوق می‌دهد. این جریان از نیاز طبیعی و فطری زن و مرد در خانواده آغاز می‌شود و تا سطوح پیچیده‌تر جامعه ادامه پیدا می‌کند و هرچه جامعه پیچیده‌تر می‌شود، این نیاز افراد به همدیگر پیچیده‌تر و مستحکم‌تر می‌شود.

وی در مورد چگونگی اداره چنین جامعه به هم پیوسته‌ای، بیان کرد: علامه معتقدند که در گذشته رؤسای قبایل افراد قبیله را اطراف خود جمع می‌کردند و پادشاهان به تنهایی و با تکیه بر قدرت و با زور و به شکل استبدادی بر جوامع حاکم بودند، اما در اسلام این‌گونه نیست. ایشان این سخن را در زمان طاغوت می‌زند که پادشاهی بر این کشور حاکم بوده است و ایشان این‌ها را نمونه استبداد می‌داند و می‌فرماید که در اسلام این‌گونه نیست.

احمدی ادامه داد: علامه می‌گویند که اسلام همه را برابر می‌داند و با این نگاه، مسئله حکومت استبدادی و شاهنشاهی و به تعبیر ایشان امپراطوری، این‌ها همه کنار می‌رود. حال این‌که حکومت در اسلام چگونه است، ایشان می‌فرماید همه مردم برابرند و همه آزادند و حق رأی دارند.

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به این نظر که در زمان غیبت نمی‌توان حکومت اسلامی تشکیل داد، بیان کرد: تا زمان پیامبر(ص) که خود ایشان حکومت داشته‌اند و بعد از آن هم که ائمه(ع) حضور داشته‌اند، اما در مورد دوره غیبت اختلاف نظر بوده است و حتی در زمان مشروطه میان علمای نجف این اختلاف بود که حکومت از آن امام معصوم(ع) است و ما حقی در مورد آن نداریم و الان هم متأسفانه عده‌ای همین نظر را دارند.

احمدی با اشاره به برخورد امام(ره) با این افراد، گفت: دلیل امام(ره) این بود که مگر می‌شود احکام اسلام را متوقف کرد و آیا دینی را که سیاست دارد، حکم دارد، قضاوت دارد، تعزیرات دارد، این را رها کنیم؟ این تعبیر را خود من شنیدم که آمدم امام زمان(ع) 10 هزار سال دیگر ظهور نکرد، در این مدت آیا احکام باید معطل بماند؟

وی این استدلال را یک استدلال لبی خواند و اظهار کرد: این استدلال نیاز به دلیل دیگری ندارد و بیان‌کننده این است که ما دینی داریم که احکام و سیاست دارد و نمی‌شود که این احکام و سیاست زمین بماند و گرنه جامعه جامعه اسلامی نخواهد بود؛ بنابراین نیازمند حکومت دینی هستیم، چرا که این احکام نمی‌تواند بی‌سرپرست باشد و اجرای آن‌ها را متوقف کرد.

احمدی با بیان این‌که علامه طباطبایی نیز عیناً همین نظر را دارد، اظهار کرد: نظر علامه طباطبایی این است که باید حکومت تشکیل داد و البته در مورد این‌که این حکومت چگونه باید باشد، آزادی به چه شکل باید باشد و رییس این حکومت چگونه باید باشد، ایشان بحث بسیار خوبی در باب حریت دارد و این‌که هیچ کس را نمی‌شود اجبار کرد، اما آزادی هم این نیست که هرکس بخواهد اصول را انکار کند، بلکه افراد می‌توانند در یک نظام گسترده حق اظهار نظر داشته باشند و یک حاکم عادل خوب برای خود انتخاب کنند. این نظر در صفحه 122 جلد چهارم از تفسیر المیزان آمده است و دوستان این قسمت را ببینند.

وی افزود: البته ایشان وارد جزئیات نشده است، اما به صورت کلی فرموده است که باید حکومتی اسلامی تأسیس کرد و داشت و بر اساس آن احکام اسلام را پیاده کرد. این توافق و یا به هم پیوستن و ارتباطی است که بین نظر ایشان و نظر حضرت امام

